یادداشت روز

سایه‌فروشان دانایی

علی بیگدلی|کارشناس چاپ و نویسنده کودک و نوجوان

در بیشتر مناطق در حال توسعه قاره آفریقا، آب لوله‌کشی یافت نمی‌شود. در این میان، کارآفرینان سایه‌نشین، دست به کار شده و آب بسته‌بندی شده در کیسه‌های پلاستیکی را در کوچه و خیابان با نام «آب‌خالص» فروختند؛ یعنی برای یک نیاز حیاتی، راه‌حلی عملی یافتند. کمی که گذشت سازمان متولی بهداشت آب، قدم پیش گذاشت و راهی برای همکاری با فروشندگان آب و برای حفظ حقوق مصرف‌کنندگان تعریف کرد. این سازمان به صورت رایگان اقدام به کنترل کیفیت محتوای کیسه‌های «آب‌خالص» کرد و به فروشندگان آن برچسب و نشان کنترل کیفیت توسط مرجع دارای صلاحیت داد تا روی کیسه‌های آب درج کنند. حکایت دست‌فروشی، پیاده‌روفروشی یا در سایه‌فروشی «کتاب» هم از این قاعده مستثنا نیست. تحلیل و بررسی اقتصاد زیرزمینی، فارغ از قواعد، بستر و موجبات آن، قیاس مع الفارق است و اگر هم بشود، بیش از آنکه دردی را درمان کند یا راه‌حلی بیابد، شبیه غر زدن است. اگر زبان تولیدات مکتوب به زبان جامعه و خوانندگان نزدیک بود و خواسته‌ها و علایق آنان را پوشش می‌داد، به یقین دست‌فروشی کتاب به این درشتی به چشم نمی‌آمد. چند عامل کلان و عده بسیاری عامل خرد، در پدیده «سایه‌فروشی کتاب» در ایران اثر گذار هستند که آگاهان مفصل به آن پرداخته‌اند. سرسلسله عوامل فوق به شرح زیر است؛ هرچند عوامل در هم پیچیده شده و کلیت موضوع تک‌عاملی و حتی چندعاملی هم دیگر نیست. نظام عرضه و تقاضای کتاب در یک فرآیند طبیعی شکل نمی‌گیرد و ناشران، بیش از آنکه به تولید محتوای دست اول و مورد نیاز جامعه بپردازند، به‌ناچار روی فروش تمرکز می‌کنند. همین که ناشر به سبب نبود قوانین متناسب، عمده تمرکزش جای تولید بر فروش است، سبب تضعیف چرخه فروش کتاب می‌شود. کتاب‌فروشان هم در همین زنجیره، ناخواسته و برای تامین هزینه های خود، به رقابت و فروش انواع کالا در فروشگاه‌هایشان روی می‌آورند. بر همین منوال نوعی رقابت که برآیندِ آن برای هیچ یک از طرفین سودمند نیست، شکل می‌گیرد و خلأ بزرگی ایجاد می‌شود که سبب ورود دست‌فروشی به حوزه کتاب هم می‌شود. رعایت حقوق دیگران در هر سطحی و شکلی در یک نظام اجتماعی و اقتصادی، موجبات شکل‌گیری اعتماد فزاینده بازار و بازیگران آن به یکدیگر و مصرف‌کنندگان به آن‌ها می‌شود. از سوی دیگر، بساط کپی‌برداری و از روی دست همدیگر نوشتن را محدود می‌سازد. این امر، خلاقیت را نهادینه و بازیگران موثر را به سوی تولید هدایت می‌کند. تولید بیشتر و منطبق با نیاز بازار، به‌ویژه نزدیک به زبان مردم و برای آن‌ها، اقتصاد نشر را قدرتمند و مردم را به خرید و مصرف آثار ترغیب می‌کند. براین اساس، ژانرهای مکتوب شکل می‌گیرند و راه گرته‌برداری و الهام گرفتن از داشته‌های معنوی، تاریخی و اجتماعی برای نویسندگان فراهم می‌شود و به تبع آن، کالای بیشتری فروش می‌رود و نحله‌های فکری در جا انداختن موج‌های فکری میان طبقه متوسط شهری که عمده مصرف‌کنندگان کالایی چون کتاب هستند، نقش خود را ایفا می‌کنند. نخستین حاصل قوانین ممیزی بیش از حد، فاصله گرفتن خوانندگان و مصرف‌کنندگان کتاب از بازار رسمی و روی آوردن آن‌ها به بازار غیررسمی است؛ زیرا کالای مطلوب را در آن راحت‌تر و بیشتر از بازار رسمی می‌یابند. توجه و بررسی نسبت به کتاب‌هایی که دست‌فروشان در بساط خود فراوان دارند، خود ترازوی قابل اعتمادی برای درک بازار است. در نبود سازوکارهای موثر شناخت نیاز مخاطب، اتفاقا باید دست‌بوس «سایه‌فروشان دانایی» بود؛ زیرا چراغ به دست گرفته‌اند و دو کار مهم و عمده را بدون هیچ چشمداشتی انجام می‌دهند؛ یکی آنکه رابطه مردم کوچه و خیابان را با کتاب حفظ می‌کنند و دیگر آنکه به ناشران و نویسندگان راه را نشان می‌دهند. درصورتی که ناشر، کتاب‌فروش و نویسنده، قدر این نعمت را می‌دانست، چه بسا از آن بهره‌های بسیار می‌برد. بار به این سنگینی را این سایه‌فروشان، به بهای ناچیز بر گرده گرفته و به پیش می‌برند.

«ما همه با هم هستیم» برای اکران عمومی آماده می‌شود

در حالی که فیلم «ما همه با هم هستیم» به کارگردانی «کمال تبریزی» مراحل فنی خود را سپری می‌کند، ویدئویی از تصاویر دوربین پشت‌صحنه فیلم منتشر شد. این فیلم سینمایی هم‌چنان مراحل فنی ساخت موسیقی و جلوه‌های ویژه بصری را سپری می‌کند و به همین دلیل، نتوانست نسخه‌ای را در اختیار جشنواره فجر بگذارد، برای همین، «ما همه با هم هستیم» به تهیه‌کنندگی رضا میرکریمی در حال آماده‌سازی نهایی برای اکران عمومی در نزدیک‌ترین زمان ممکن است.
«ماهمه باهم هستیم»، روایتی کمدی از سقوط یک هواپیما و رازهای مسافران آن است که مهران مدیری، محمدرضا گلزار، لیلا حاتمی، ویشکا آسایش، هانیه توسلی و... در آن ایفای نقش کرده‌اند.

«کاتیوشا» راهی هند می‌شود

فیلم کمدی «کاتیوشا» ساخته «علی عطشانی» در دومین حضور بین‌المللی خود به بخش رقابتی پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم «راجستان» در شهر جیپور، مرکز ایالت راجستانِ کشور هند راه یافت. جشنواره بین‌المللی فیلم «راجستان» طی پنج روز از ۱۹ تا ۲۳ ژانویه ۲۰۱۹ برابر با ۲۹ دی تا ۳ بهمن‌ماه در شهر جیپور کشور هند برگزار می‌شود. این فیلم با بازی هادی حجازی‌فر، احمد مهران‌فر، لیلا اوتادی، میترا حجار، ارژنگ امیرفضلی، قاسم زارع، بیژن بنفشه‌خواه و ... مرداد ماه امسال در ایران اکران و با استقبال خوبی از سوی مخاطبان روبه‌رو شد. داستان این فیلم درباره خلیل، بسیجی معروف است که در فضای مجازی به «خلیل کاتیوشا» شهرت دارد و مجبور می‌شود چند روزی را کنار عرشیا پسر جلف پولدار بگذراند.

واکنش «هوشنگ ابتهاج» به زمزمه دوباره برای تخریب خانه‌اش:

اصراری بر حفظ خانه ندارم

خردادماه سال ۱۳۹۶ برخی از همشهریان «هوشنگ ابتهاج» (هـ.ا. سایه)، از احتمال تخریب خانه مادری این شاعر پیشکسوت به‌دلیل اینکه ثبت ملی نیست، خبر دادند. در آن شرایط میراث فرهنگی استان گیلان معتقد بود نخست باید تعلق این بنا توسط خانواده ابتهاج تایید شود. چندی بعد در مردادماه همان سال «رضا علیزاده» مدیرکل وقت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان، از گذراندن مراحل آخر ثبت خانه «ابتهاج» در میراث فرهنگی خبر داد. اما دوباره زمزمه تخریب خانه مادری ابتهاج می‌آید.

اگر مرکز فرهنگی شود بهتر است تا یک اداره

«هوشنگ ابتهاج» (هـ.ا. سایه) به احتمال تخریب خانه مادری‌اش در رشت واکنش نشان داد. او با اینکه می‌گوید آدم‌هایی که در این خانه زندگی می‌کردند برایش اهمیت داشتند و حالا هر بلایی می‌خواهند سر این خانه بیاورند، در عین حال می‌گوید: این خانه حیف است و اگر مرکز فرهنگی شود، بهتر از این است که به یک اداره تبدیل شود. این شاعر پیشکسوت درباره احتمال تخریب خانه مادری‌اش در رشت و اینکه ثبت آن را در فهرست آثار ملی به ارائه یک سند - چه عکس یا دست‌نوشته‌ای از او - به میراث فرهنگی منوط کرده‌اند، می‌گوید: «از ابتدا نخواستم وارد این موضوع شوم، زیرا برایم اهمیتی ندارد که می‌خواهند چه بلایی سر این خانه بیاورند. برایم آدم‌هایی که در این خانه زندگی می‌کردند اهمیت داشتند که دیگر نیستند؛ حالا سر این خانه هر بلایی که می‌خواهند، بیاورند.»
او در توضیحی می‌گوید: «این خانه، خانه مادری من بود. مادر مادربزرگم صاحب این خانه بود که بعد این خانه به دخترش رسید و از دخترش که مادربزرگ من حساب می‌شد، به مادر من رسید. این خانه بعد از فوت مادرم (۱۳۲۶) به من و سه خواهرم رسید که ما به پدرم وکالت دادیم تا این خانه را بفروشد. او در سال ۱۳۲۷ این خانه را فروخت. یک نفر، دو نفر دیگر هم این خانه را خریدند. شنیدم یکی از صاحب‌خانه‌ها ساکن آمریکاست. با او هم گفت‌وگو کردند. به من گفتند در شهرداری رشت تصویب شده این خانه را بخرند تا به یک مرکز فرهنگی تبدیل شود. اخیرا هم شنیدم حکمی صادر شده که این خانه را خراب بکنند و ساختمان چندطبقه بسازند؛ اما جزئیاتش را نمی‌دانم.»

اصراری بر حفظ خانه ندارم

این شاعر معاصر افزود: «این خانه مادر من است. تا نوزده سالگی آنجا بودم و بعد هم تا سال ۲۶ که مادرم فوت شد، هر دو هفته یک‌بار به آن‌جا می‌رفتم و به تهران برمی‌گشتم. یک سال بعد از فوت مادرم نیز در سال ۱۳۲۷ پدرم آن‌جا را فروخت و با خواهرهایم به تهران آمدند، بعد هم پدرم برگشت رشت و همان‌جا فوت کرد. من تمام گوشه و کنار این خانه را می‌توانم نقاشی کنم. یادم می‌آید در ضلع غربی خانه دیوار بود که درخت انگوری داشت که تا بالای دیوار رفته بود.» وی در ادامه می‌گوید: «نگهداری این خانه برای من مسئله نیست. اگر این خانه امسال خراب نشود، ۵۰ سال دیگر خراب می‌شود. ممکن است به طور طبیعی خراب شود؛ زلزله بیاید. هزار بلا سر تاریخ می‌آید و تمام می‌شود. ساختمان‌ها نمی‌مانند و گاه خود به خود از بین می‌روند. من اصراری برای حفظ این خانه ندارم و اهمیتی هم ندارد؛ وقتی خود آدم نمی‌ماند حالا خانه هم نماند. اما این خانه حیف است و یادگاری است. اگر مرکز فرهنگی شود بهتر از این است که به یک اداره تبدیل شود.»

میراث فرهنگی گفته است با دو خط نوشته، هوشنگ ابتهاج می‌تواند خانه را ثبت کند!

ابتهاج اضافه کرد: «چرا باید این دو خط را بنویسم؟ همه می‌دانند این خانه برای ماست؛ اهالی آن‌جا این را می‌دانند. آدم‌هایی که در شهرداری هستند این را می‌دانند. واقعا به چنین چیزی احتیاج است؟ دخترم در جریان این موضوع است، البته یلدا از روی احساسات وارد این موضوع شد. دخترم در این خانه زندگی نکرده و در تهران به دنیا آمده است. سند این خانه منتشر شده و در اینترنت هم هست. در ایمیل من هم آمده است. برای من نیز فرستاده‌اند که این خانه برای خانم عالیه رفعت بوده و بعد به فاطمه ابتهاج رسیده و از خانم فاطمه ابتهاج به من و خواهرهایم رسیده است. سند وجود دارد که از امضای دوخطی من بیشتر اهمیت دارد، با اسم و جزئیات. به نظرم این‌ها همه بهانه است. برای من خنده دارد که وقتی سند ثبتی اسناد شهری با جزئیات موجود است و خانه، مطابق صورت مجلس فلان به تاریخ فلان به فلانی و از فلانی ارث رسیده است، از من دست‌خط بخواهند! حضرات در شهرداری رشت و در هر جای دیگر هم این سند را دارند. این که نوشته دوخطی از من بخواهند، شوخی است. من بنویسم کاخ سلطنتی در فلان کشور دنیا برای من است؟! این‌ها که کافی نیست. وقتی سند وجود دارد به نوشته احتیاج نیست. کپی سند دست من است؛ دخترم برای من فرستاده که دخترم هم از ۱۰ نفر دیگر گرفته است. در رشت این سند را دیده‌اند و دارند. این‌ها بهانه‌جویی است.»

حدادعادل:

در شمال تهران باید به‌دنبال زبان فارسی بگردیم

«غلامعلی حداد عادل» می‌گوید: در شمال تهران به‌ویژه رستوران‌ها، باید به دنبال زبان فارسی بگردیم.
رئیس بنیاد «سعدی» در نشست خبری هشتاد و ششمین دوره دانش‌افزایی زبان فارسی که دیروز (۱۹ دی‌ماه) در محل این بنیاد برگزار شد، با اعلام آمادگی برای همکاری با نهادهای مختلف و اشاره به برنامه‌های صداوسیما برای آموزش زبان فارسی گفت: در بسیاری از نقاط شهر و در خیابان‌ها، بسیاری از اسم‌ها به زبان غیرفارسی آلوده شده‌اند؛ حتی در تولید دستمال کاغذی از نام غیرفارسی استفاده می‌کنند. ما باید برای حفظ زبان که حفظ هویت ماست تلاش کنیم.
او اظهار کرد: در هفت سال اخیر که بنیاد فعالیت خود را آغاز کرده، از طریق رسانه‌ها در داخل و خارج از کشور معرفی شده است و توانسته آموزش زبان فارسی در جهان را به سمت دانش تخصصی آموزش زبان پیش ببرد. به‌رغم مشکل‌های زیادی که به لحاظ بودجه برای ما وجود داشت، بنیاد سعدی در امر گسترش زبان فارسی بی‌توفیق نبوده است.
حداد عادل سپس درباره فعالیت‌های بنیاد سعدی توضیح داد: فعالیت‌های ما حول چند محور صورت می‌گیرد؛ یکی تالیف انواع کتاب‌هاست. در برنامه درازمدت، تالیف ۷۰ کتاب درسی را برای آموزش زبان فارسی پیش‌بینی کرده‌ایم که تاکنون، تالیف ۱۵ کتاب به پایان رسیده است. برنامه دیگر ما آموزش زبان فارسی در فضای مجازی است که برخی از برنامه‌های آن اجرا می‌شود و برخی در دست تکمیل است. استودیو کوچکی در بنیاد سعدی ایجاد کرده‌ایم و از طریق برخط، زبان فارسی را به فارسی‌آموزان آموزش می‌دهیم و از این طریق با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنیم. دیگر فعالیت بنیاد سعدی برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی است. تاکنون ۷۰ دوره تربیت مدرسِ زبان فارسی برگزار کرده‌ایم. همچنین با ۳۰ موسسه داخلی و خارجی برای آموزش زبان فارسی تفاهم‌نامه‌های همکاری امضا کرده‌ایم. رئیس بنیاد سعدی در ادامه بیان کرد: بنیاد سعدی یکی از وظایف خود را تدوین انواع استانداردها در آموزش زبان فارسی می‌داند. آموزش زبان مخصوصا به عنوان زبان دوم، حتما باید با استاندارد همراه باشد. در زبان انگلیسی زمانی که شخصی می‌گوید تافل دارم نشان از استاندارد آن زبان است. فرد باید گواهی داشته باشد که دیگران بدانند زبان را تا چه حد یاد گرفته است. این موضوع در شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز تبیین شده و شورا با تعیین مرز فعالیت بنیاد سعدی و وزارت علوم مصوبه را تصویب کرده است. حداد عادل همچنین درباره بودجه بنیاد سعدی در ردیف بودجه سال ۹۸ اظهار کرد: بودجه ظاهرا افزایش داشته است. یعنی در ظاهر ما افزایش جزئی ۴.۷ درصد را داشته‌ایم؛ اما توجه داشته باشید ۸۰ درصد بودجه بنیاد سعدی صرف خرید ارز می‌شود. این افزایش ۴.۷ درصدی در مقابل افزایش ارز، نشان می‌دهد ارزش بودجه ما کم شده است. باید با این شرایط بسازیم و خودمان را با آن تطبیق بدهیم. همچنین سال آینده باید ۲۰ درصد به حقوق کارکنان افزوده شود، هرچند کارکنان ستادی بنیاد اندک هستند. ما سعی کرده‌ایم بنیاد را شلوغ نکنیم و بار سنگینی از نظر حقوق به دوش دولت نیندازیم و اگر بودجه‌ای به ما تخصیص داده می‌شود، صرف آموزش زبان فارسی شود. او سپس درباره وضعیت کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های خارج از کشور، گفت: در مهرماه امسال وزارت علوم به خاطر تنگناهای ارزی ۱۹ کرسی از ۳۷ کرسی خود را تعطیل کرده است و به صورت برق آسا به استادان اعزامی اعلام کرده تا از محل ماموریت خود برگردند. این امر موجب تاسف ما شده است و اعتراض خود را بیان کرده‌ایم. در قبال میلیاردها دلار که صرف احتیاج‌های کشور می‌شود، یک میلیون دلار برای حفظ کرسی زبان فارسی پولی نیست که چنین شتاب‌زده تصمیم به تعطیلی این کرسی‌ها گرفته شده است. امیدوارم وزارت علوم درباره این موضوع تجدیدنظر کند و از آن پشتیبانی صورت بگیرد. البته آن طور که گفته شده، برخی از استادان به کرسی خود بازگشته‌اند اما وضعیت کرسی‌های زبان فارسی خوب نیست و چنین اتفاق‌هایی افتاده است.

سینمای ایران

اعلام برنامه‌های جشنواره فیلم فجر در استان‌ها

«سیدحسین سیدی» مدیر بخش استان‌های سی و هفتمین دوره جشنواره فیلم فجر، با اعلام تفاهم صورت گرفته از سوی سازمان سینمایی با ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها، گفت: بر اساس برنامه‌ریزی و تفاهم‌نامه‌های صورت گرفته، امسال از ۱۲ تا ۲۲ بهمن‌ماه، فیلم‌های جشنواره فجر به صورت هم‌زمان در ۳۱ استان کشور اکران خواهند شد. برای هر استان حداکثر دو سالن مجهز سینمایی که از سوی مدیرکل استان پیشنهاد شده برای اکران فیلم‌ها در نظر گرفته می‌شود. همچنین از بین فیلم‌های جشنواره، ۱۱ تا ۱۴ فیلم توسط دبیرخانه جشنواره فیلم فجر انتخاب و در استان‌ها به نمایش درخواهد آمد. گروه‌بندی و تعداد فیلم‌هایی که قرار است اکران شوند پس از توافق نهایی با نمایندگان صنف خانه سینما اعلام می‌شود. تاریخ اکران فیلم‌های سی وهفتمین دوره جشنواره فجر در استان‌ها از ۱۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ خواهد بود. همچنین جشنواره در روزهای ۱۹ و ۲۰ بهمن‌ماه به دلیل ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) تعطیل است

ساخت‌وساز نوید محمدزاده و سعید روستایی!

«سعید روستایی» که با «متری شیش‌ونیم» به سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر خواهد آمد، عکسی از خود و «نوید محمدزاده» را منتشر کرد و با ادبیات رایج در عرصه ساخت و ساز نوشت: «متری شیش و نیم شروع کردیم، همون متری شیش و نیم هم تمومش کردیم.» متری شیش و نیم، دومین همکاری سعید روستایی با نوید محمدزاده، پرینازایزدیار و پیمان معادی است. این فیلم به عنوان دومین فیلم بلند سعید روستایی شناخته می‌شود.

عکاس خانه

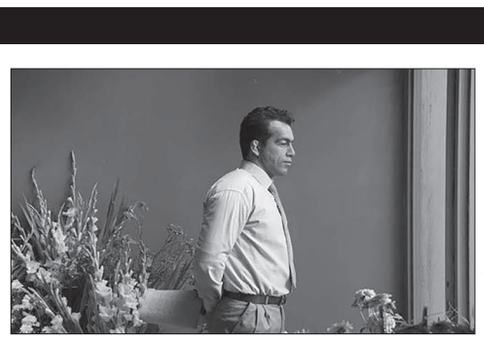

انتشار تازه‌ترین تصویر از فیلم «غلامرضا تختی»
هم‌زمان با پنجاه و یکمین سالگرد جهان پهلوان تختی، تازه‌ترین تصویر از بازیگر نقش جوانی جهان پهلوان تختی در فیلم سینمایی «غلامرضا تختی» رونمایی شد.

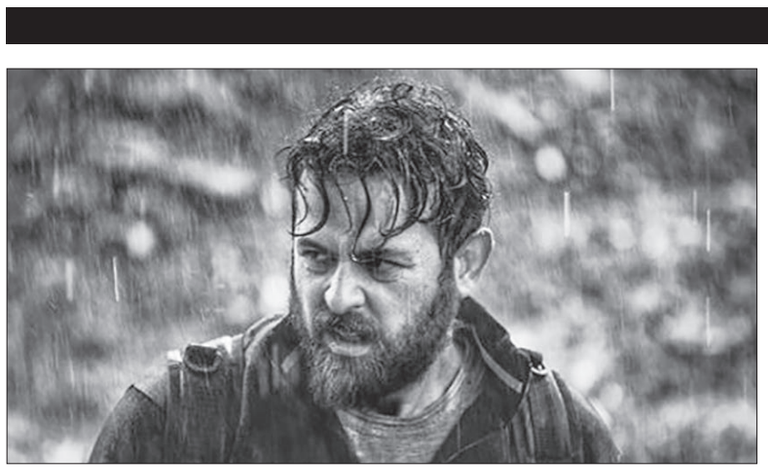

هومن سیدی با «طلا» به جشنواره فجر می رود
«هومن سیدی» تازه‌ترین تصویر خود را در فیلم سینمایی «طلا» به کارگردانی «پرویزشهبازی»، در اینستاگرام منتشر کرد. «طلا» تازه‌ترین ساخته شهبازی است که در سی و هفتمین جشنواره ملی فیلم فجر به نمایش درمی‌آید.

کد ۲۰۹۰

کارت ملی،شناسنامه
زهره محمدی فرزند محمدعلی به شماره شناسنامه ۵۳۷ و کد ملی ۰۰۷۰۸۱۱۱۱۳ متولد ۱۳۵۷/۲/۴ مورخ ۱۳۹۷/۶/۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کد ۴۱۵۱

کارت ملی،بیمه نامه،فیش حقوقی
احمد ترکاشوند فرزند نورالله و کد ملی ۰۴۸۰۷۷۴۹۶۱ و مدارک خودرو لیفان X۶۰ به شماره پلاک ۸۸ایران ۹۹۱۷۸ شماره موتور ۱۳۰۴۰۱۱۳۸ شماره شاسی ۱۰۶۰۶۷ مدل ۱۳۹۲ به نام احمد ترکاشوند مورخ ۱۳۹۷/۶/۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کد ۲۰۰۹

کارت ملی،
وحید گودرزی فرزند اسماعیل به کد ملی ۰۰۱۶۰۰۲۵۸۱ متولد ۱۳۷۱/۱۲/۱۷ مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

شناسنامه،
محمد بختیاری فرزند عباس به کد ملی ۰۰۲۴۷۲۹۵۹۰ متولد ۱۳۸۰/۱۰/۶ مورخ ۱۳۹۶/۸/۲۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

شناسنامه،
آیدا کیوان فرزند فرزاد به کد ملی ۰۰۲۱۹۴۷۴۷۶۴ متولد ۱۳۷۸/۱/۲۶ مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت دانشجویی، کارت ملی، گواهینامه پایه ۱،
سیدعلی حسینی مجد فرزند سید مقتدا به کد ملی ۰۳۷۰۷۸۷۷۱۴ متولد ۱۳۷۱/۱۰/۸ مورخ ۱۳۹۷/۳/۲۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت ملی،
مجتبی توکلی فرد فرزند عبدالامیر به شماره شناسنامه ۹۳۶۹۲۸۳۳۸۹ و کد ملی ۱۹۹۰۵۴۰۸۷۳ متولد ۱۳۴۳/۴/۱۰ مورخ ۱۳۹۷/۸/۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت ملی،شناسنامه
امید محمودی فرزند محمد به کد ملی ۳۷۲۰۶۶۶۱۷۴ متولد ۱۳۷۵/۹/۲ مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

شناسنامه،سند ازدواج،
زهره رمضانی فرزند احمدعلی به شماره شناسنامه ۷۴۵ و کد ملی ۰۰۵۵۳۳۰۲۷۴ متولد ۱۳۵۱/۱/۱۱ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت ملی،
هومن نجفی راد فرزند به شماره شناسنامه ۵۷۲۵ و کد ملی ۰۰۵۵۰۰۳۲۰۳ متولد ۱۳۵۱/۱۱/۶ مورخ ۱۳۹۷/۴/۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت ملی، گواهینامه پایه ۲،
مهراد ابوالحسنی فرزند مسعود به شماره شناسنامه ۴۹۱۱ و کد ملی ۰۰۶۸۳۴۰۲۴۹ متولد ۱۳۶۲/۴/۵ مورخ ۱۳۹۷/۸/۱۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

شناسنامه،
لیلا برغمدی فرزند حسن به کد ملی ۰۰۱۶۲۴۰۸۴۷ متولد ۱۳۷۲/۶/۲۶ مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

شناسنامه،
مجید برغمدی فرزند حسن به کد ملی ۰۰۱۶۲۴۰۸۴۷ متولد ۱۳۷۲/۶/۲۶ مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کد ۲۱۰۸
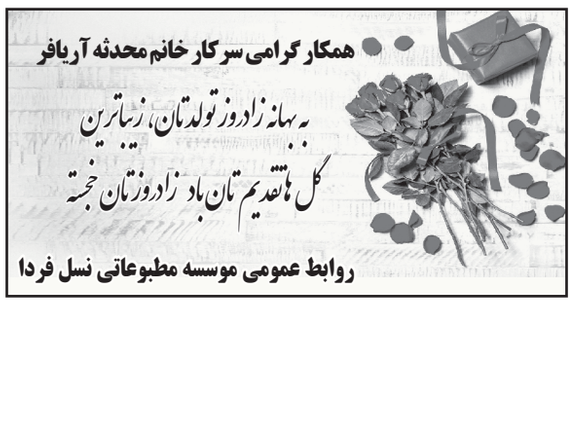
برگ سبز،
مصطفی کریم نژادامیری فرزند علی اکبر به شماره شناسنامه ۱۰۵ و مدارک خودرو سمند ال ایکس به شماره پلاک ۱۷۲ ایران ۵۸۱ م ۳۷ شماره موتور ۱۲۴۸۷۰۹۳۴۸۳ شماره شاسی naac۹۱cc۰۸۴۱۶۰۹۹۵ مدل ۱۳۸۷ به نام مصطفی کریم نژاد امیری مورخ ۱۳۹۷/۹/۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.